



تفاوت معیارهای اخلاقی دختر و پسر در همسرگزینی

فاطمه صغری موسوی اطهر

چکیده

پژوهش حاضر درصدد بررسی تفاوت معیارهای اخلاقی دختر و پسر در همسرگزینی است. در نگاه اسلام، ازدواج زمینه‌ساز مودت و رحمت و رسیدن به آسایش خاطر و آرامش روان و در نهایت، کامیابی انسان در مسیر بندگی و قرب الهی است. مسأله مهم در ازدواج، انتخاب دقیق و آگاهانه در همسرگزینی است. از آنجا که دین مقدس اسلام، برای خانواده اهمیت زیادی قائل است، معیارهای اخلاقی مهمی را برای دختر و پسر در انتخاب همسر در نظر گرفته است. معیار اخلاقی به معنای سنجش صفات و فضیلت‌های اخلاق انسان است. برخی از این معیارها؛ مانند: ایمان و تقوا، حیا و عفت، صبر، صداقت، حسن خلق، بین دختر و پسر مشترک هستند و برخی نیز مانند: تلاشگر بودن، توانایی مدیریت در خانواده، سخاوتمند بودن و غیرتمندی مختص مردان است، و بعضی از صفات اخلاقی هم مختص زنان است مانند: قناعت، حجاب، استقبال و همراهی از شوهر.

اما ملاک‌هایی نیز وجود دارد که ارزش‌گذاری روی آن نسبت به زن

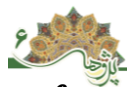
و مرد متفاوت است. ملاک‌هایی چون: بخل، ترس، تکبر، این صفات برای مردان به طور مطلق ناپسند و مذموم هستند اما برای زن در موارد خاص جزء صفات پسندیده است. شناخت صحیح دختر و پسر، از ویژگی‌های اخلاقی که بیان شد، باعث می‌شود نوع نگرش آن‌ها نسبت به ملاک‌های همسر مناسب تغییر نماید و انتخاب دقیق و آگاهانه داشته باشند.

در رابطه با اهمیت این موضوع باید گفت؛ شناخت صحیح دختر و پسر از ویژگی‌های اخلاقی که اسلام برای مرد و زن معرفی نموده، باعث می‌شود نوع نگرش آن‌ها نسبت به ملاک‌های همسر مناسب تغییر نماید و به جای ارزش‌گذاری روی باورهای غلط رایج در جامعه و گاه معارض با ارزش‌های دینی و اخلاقی، معیاری صحیح در همسرگزینی برگزینند. از سوی دیگر آگاهی از تفاوت‌های اخلاقی مرد و زن گامی دقیق در انتخاب آگاهانه خواهد بود.

سؤال این تحقیق این است که تفاوت‌های اخلاقی دختر و پسر در

همسرگزینی چیست؟

واژگان کلیدی: همسرگزینی، معیار اخلاقی، دختر، پسر.

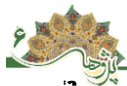


در این پژوهش ابتدا با جست و جوی واژگانی چون: اخلاق، معیار، صفات اخلاقی، و موضوعات پیرامون ویژگی‌های اخلاقی زن و مرد از نظر اسلام؛ آیات و روایات، کتاب‌ها و مقالات مورد نظر شناسایی شده، سپس بعد از بررسی و مطالعه، به توصیف و تحلیل آن خواهیم پرداخت.

یافته‌ها

اخلاق جمع «خلق» به معنای نیرو و سرشت باطنی انسان، که تنها با دیده بصیرت قابل درک است. (ر.ک: راغب‌اصفهانی، ۱۲۹۷) اعمال انسان برگرفته از ویژگی‌های نفسانی اوست. اگر صفات نفسانی انسان نیکو باشد اعمالش نیکو خواهد بود. اخلاق در زندگی انسان اهمیت زیادی دارد، چرا که انسانیت انسان وقتی شکل می‌گیرد که ارزش‌های اخلاق در وجود او متبلور شود. هر کسی را به میزان ظهور ارزش‌های اخلاقی در افکار و گفتار و رفتارش ارزیابی می‌کنند. بدین جهت تقسیم‌بندی اخلاق، بر اساس روابط انسان با پیرامون خود مانند: ارتباط با خداوند متعال، ارتباط با خود و دیگران (اخلاق اجتماعی) و ارتباط با طبیعت، می‌باشد.

از مهم‌ترین وظایف یک مسلمان در ارتباطات، اخلاق او با جامعه و محیط پیرامون آن از جمله خانواده است. خانواده هسته مرکزی و اساس نظام اجتماعی است و سلامت و پایداری جامعه در گرو خانواده‌ای سالم و پویاست. در نگاه اسلام، ازدواج زمینه‌ساز مودت و



رحمت و رسیدن به آسایش خاطر و آرامش روان، و در نهایت کامیابی انسان در مسیر بندگی و قرب الهی است.

مسأله مهم در ازدواج، انتخاب دقیق و آگاهانه در همسرگزینی است. از آنجا که دین مقدس اسلام، برای خانواده اهمیت زیادی قائل است، معیارهای اخلاقی مهمی را برای دختر و پسر در انتخاب همسر در نظر گرفته است. معیار اخلاقی به معنای سنجش صفات و فضیلت‌های اخلاق انسان است. در این زمینه پژوهش‌های مختلفی نیز انجام شد. اما در پژوهش حاضر، سعی بر این است که بعد از معرفی معیارهای اخلاقی دختر و پسر (با تکیه بر متون اسلامی)، به بیان تفاوت معیارهای اخلاقی دختر و پسر، و اهمیت شناخت آن در انتخاب دقیق و آگاهانه آنان در همسرگزینی پرداخته شود.

شناخت صحیح دختر و پسر، از ویژگی‌های اخلاقی که اسلام برای مرد و زن معرفی نموده، باعث می‌شود نوع نگرش آن‌ها نسبت به ملاک‌های همسر مناسب تغییر نماید و به جای ارزش‌گذاری روی باورهای غلط رایج در جامعه و گاه معارض با ارزش‌های دینی و اخلاقی، معیاری صحیح در همسرگزینی برگزینند. از سوی دیگر آگاهی از تفاوت‌های اخلاقی مرد و زن گامی دقیق در انتخاب آگاهانه خواهد بود.



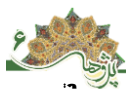
الف) ویژگی‌های اخلاقی مشترک زن و مرد

در تعالیم اسلام، توجه به معیار اخلاق در همسرگزینی، امری لازم و ضروری معرفی شده است. علاوه بر این، تمام متخصصان و روان‌شناسان نیز بر این امر صحه می‌گذارند. زیرا زندگی مشترک دارای فراز و نشیب‌های بسیاری است که برخورد صحیح با آن‌ها و برطرف کردن‌شان به روحیه‌ای قوی و اخلاقی پسندیده نیازمند است. (اشرفی‌نژاد، ۱۳۹۱، تبیان)

با وجود این‌که هر انسانی دارای صفات و روحیات منحصر به فرد است، اما اشتراکاتی نیز بین آنان وجود دارد، و معمولاً این اشتراکات در انتخاب دوستان خود را نمایان می‌کند، و هرچه سطح اشتراکات بین دوستان بیش‌تر باشد، این دوستی از عمق و تداوم بیش‌تری برخوردار است. (شاه‌میرزایی؛ میرحیدری، ۱۳۹۵) ازدواج به عنوان یکی از عمیق‌ترین روابط دوستانه در بین انسان‌ها از این قاعده مستثنی نبوده و هرچه زن و مرد از نظر تفکر، عقاید و خصوصیت‌ها شباهت بیش‌تری به یکدیگر داشته باشند، می‌توان یک زندگی زیبا و با دوام‌تر را برای آنان انتظار داشت. (همان) در این بخش به شرح برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاقی مشترک زن و مرد خواهیم پرداخت.

۱. تقوا و تدین

از منظر اسلام مهم‌ترین معیار اخلاقی در گزینش همسر، تقوا و تدین زوجین است. پایبند بودن همسر به انجام واجبات و ترک



محرمات الاهی از اهمیت بسیاری برخوردار است و تأثیر بسزایی در سعادت خانواده دارد. بدون این معیار، ارزش‌های اخلاقی هم‌چون صداقت، وفا، گذشت و فداکاری در زندگی اجرا شدنی نیست. (حیدری، نقش تقوا در خانواده، راسخون) پیامبر گرامی اسلام ﷺ به مردان سفارش نموده‌اند که به هنگام ازدواج به تقوا و تدین زن توجه نمایند:

«تنکح المرأة علی اربع خلال: علی مالها و علی دینها و علی جمالها و علی حسبها و نسبها، فعلیک بذات الدین (هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ح ۴۴۶۰۲)؛ افراد به یکی از این چهار چیز با زنی ازدواج می‌کنند، یا به سبب ثروتش، یا تدینش، یا زیبایی‌اش و یا به خاطر حسب و نسبش؛ پس تو را به ازدواج با زن متدین سفارش می‌کنم.»
هم‌چنین آن حضرت می‌فرماید:

«من تزوج امرأة لا يتزوجها الا لجمالها لم ير فيها ما يحب، و من تزوج لمالها لا يتزوجها الا و كله الله اليه، فعليكم بذات الدین (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۵)؛ کسی که با زنی فقط به خاطر زیبایی‌اش ازدواج کند، چیزی را که دوست دارد (زیبایی) در او نخواهد دید؛ و کسی که با زنی به خاطر ثروتش ازدواج کند، خداوند او را به خودش واگذار می‌کند؛ پس شما را به ازدواج با زن متدین سفارش می‌کنم.»
در قرآن کریم آمده است:

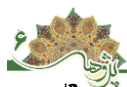


﴿وَلَا تَنْكَحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ وَلَآئِمَةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَ
 لَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تَنْكَحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَلَعِبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ
 مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ﴾
 (بقره: ۲۲۱)؛ «و با زنان مشرک ازدواج نکنید مگر آن‌که ایمان بیاورند و
 همان کنیز با ایمان بهتر از زن آزاد مشرک است، هرچند از (زیبایی) او
 به شگفت آید و به مشرکان زن ندهید مگر آن‌که ایمان بیاورند و همانا
 بردهٔ مؤمن بهتر از آزاد مشرک است هرچند از (مال و زیبایی) او
 شگفت زده شوید.»

دربارهٔ ازدواج دختر نیز توصیه شده است که مردی دیندار و با تقوا
 را برای همسری برگزیند. (حیدری، همان) طبق فرمایش امام حسن
 مجتبی (ع) دختران را باید به همسری مردان با تقوا درآورد:

«زوجه‌ها من رجل تقی، فانه ان احبها اکرمها و ان ابغضها لم یظلمها
 (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۲۰۴)؛ دختری را به ازدواج مردی پرهیزگار
 درآور؛ چون اگر دختری را دوست داشته باشد، او را اکرام می‌کند و
 اگر از او بدش بیاید، به او ستم نخواهد کرد.»

هدف اصلی از ازدواج در اسلام، کسب تقوا و فضایل معنوی است.
 زن دیندار به همان اندازه که باید در فکر و عقیده با شوهر متدین خود
 هماهنگ باشد، در عمل نیز باید با او همگام باشد. هماهنگی در التزام
 به دستورهای دینی هم‌چون رعایت حجاب، پرهیز از معاشرت‌های
 آلوده، خودداری از مصرف مال حرام، تعهد به رعایت اخلاق اسلامی،



انجام عبادت‌های دینی و... که در زندگی پیش می‌آید، نشان‌دهنده تفاهم و هماهنگی زن و شوهر است. (حیدری، همان)

۲. حیا و عفت

«حیا» در لغت به معنی شرمساری و خجالت (ر.ک: دهخدا، ذیل واژه حیا) و در اصطلاح به معنی محصور کردن نفس از ارتکاب محرمات عقلی و شرعی عرفی برای جلوگیری از نکوهش دیگران است (نراقی، جامع السعادات، ج ۳، ص ۴۷) که در مقابل آن وقاحت و بی‌شرمی قرار دارد. «حیا» امری فطری و پوششی است که خداوند در وجود انسان به ودیعه نهاده است. هرچه عزت و شرافت باطنی انسان بالاتر باشد میزان حیا بیش‌تر خواهد بود. (شاه‌میرزایی؛ میرحیدری، اوصاف زنان شایسته ازدواج، همان)

امام علی (ع) حیا را بهترین خلق و خوی انسان برمی‌شمرد و می‌فرماید:

«الْسَّخَاءُ وَالْحَيَاءُ أَفْضَلُ الْخُلُقِ» (آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ۱۲۵،

۲۱۹۳)؛ بخشندگی و حیا، برترین خوی‌هاست.

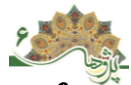
و هم‌چنین می‌فرماید:

«... مَنْ كَثَرَ خَطْوُهُ قَلَّ حَيَاؤُهُ وَ مَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ وَ مَنْ قَلَّ وَرَعُهُ

مَاتَ قَلْبُهُ» (نهج البلاغه، حکمت ۳۴۹)؛ ... آن‌کس که زیاد اشتباه کند

حیایش کم می‌شود و کسی که حیایش کم شود تقوایش نقصان می‌یابد

و کسی که تقوایش نقصان یابد قلبش می‌میرد.

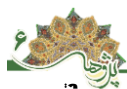


ثمره حیا «عفت» است، و «عفت» عبارت است از تسلیم و انقیاد شهوت در برابر عقل؛ یعنی قوه شهوانی انسان، کارهای خود را بر اساس دستور عقل انجام دهد. به تعبیر دیگر، عفت یعنی اعتدال در بهره‌مندی از شهوات. (نراقی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۵۲۷) «عفت» به طور کلی و مخصوصاً «عفت جنسی» که از آن به پاکدامنی تعبیر می‌شود، یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین فضایل اخلاقی است. «عفت جنسی» یعنی کنترل غریزه جنسی و محدود ساختن آن در چارچوب عقل و شرع. (شریفی، آیین زندگی (اخلاق کاربردی)، ص ۱۷۹) امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بَعْدَ خَيْرٍ أَغْفَ بَطْنَهُ عَنِ الطَّعَامِ وَ فَرَجَهُ عَنِ الْحَرَامِ (آمدی، همان، ۲۸۹، ح ۱۴۲)؛ هرگاه خداوند خیر بنده‌ای را بخواهد شکمش را از خوراک حرام، و عورتش را از عمل حرام نگه دارد.»

خداوند متعال در قرآن کریم به مردان دستور به عفت و پاکدامنی می‌دهد:

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ» (نور: ۳۰)؛ «(ای پیامبر) به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرم‌ان) فرو گیرند، و فروج خود را حفظ کنند، این برای آن‌ها پاکیزه‌تر است، خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است.»



و هم چنین به زنان دستور می دهد در مقابل نامحرم حجاب و عفت را برگزینند:

﴿وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا...﴾ (نور: ۳۱)؛ «و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فرو گیرند، و دامن خویش را حفظ کنند، و زینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است آشکار نمایند...»

آن چه از آیات و روایات به دست می آید این است که عفت و حیا مختص به زنان نیست بلکه مردان نیز باید متصف به این صفت اخلاقی باشند. اما از آن جا که زن نسبت به مرد، ذاتاً حس خودنمایی و زیبایی طلبی بیش‌تری دارد، تأکید بیش‌تری بر عفت و حیا او شده است. رعایت عفت و حیا از سوی افراد به ویژه زنان نقش بسیار مؤثری در سلامت و پایداری خانواده خواهد داشت.

عفت آثاری دارد که عمده‌تاً در سلامت زندگی زن‌اشویی خود را نشان می دهد. مهم‌ترین این آثار عبارت‌اند از: وفاداری به همسر که او را از ارتکاب هر عمل زشت منافی با شؤون انسانی بازمی دارد، احساس نیاز به همسر، یعنی فرد به همسر خود، به عنوان تنها تأمین‌کننده نیازهای جنسی نگاه کند. ایجاد علاقه و محبت میان همسران، دوری از زشتی و پلیدی و پیدایش زندگی حقیقی. (حسین‌زاده، نقش عفت و حیا در رضایتمندی زن و شوهر)



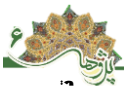
۳. صداقت

واژه صداقت از «صدق» به معنای راستی در گفتار و عمل است، (قرشی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۱۶) بر اساس آموزه‌های اسلامی، راستی و راست‌گویی در کارآمدی تمام بخش‌های زندگی انسان مؤثر است و توجه به این آثار، انگیزه انسان برای گرایش و عمل به این فضیلت بزرگ اخلاقی را افزایش می‌دهد. راست‌گویی تأمین‌کننده سلامت و بهداشت روان است و به انسان شجاعت و شهامت می‌بخشد. فردی که از بهداشت روان برخوردار نیست، نمی‌تواند در جهت کارآمدی خانواده خود گام‌های جدی بردارد. صدق در گفتار و صداقت در کردار، انسان را محبوب دل‌ها و مورد اعتماد اعضای خانواده خود و جامعه انسانی می‌گرداند. (صفورایی‌پاریزی، ۱۳۸۸)

خداوند متعال درباره اهمیت راست‌گویی می‌فرماید:

«قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (مائده: ۱۱۹)؛ «امروز، روزی است که راستی راست‌گویان، به آن‌ها سود می‌بخشد؛ برای آن‌ها باغ‌هایی از بهشت است که نهرها از زیر (درختان) آن می‌گذرد، و تا ابد، جاودانه در آن می‌مانند؛ هم خداوند از آن‌ها خشنود است، و هم آن‌ها از خدا خشنوند؛ این، رستگاری بزرگ است.»

و در آیه دیگر می‌فرماید:



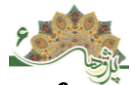
﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ (توبه: ۱۱۹)؛

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید، و با صادقان باشید!»

در روایتی رسول گرامی اسلام (ص) به امام علی (ع) فرمودند:
«إِنَّ الصِّدْقَ يَبِيضُ الْوَجْهَ وَ يُكْتَبُ عِنْدَ اللَّهِ صَادِقًا وَأَعْلَمُ أَنَّ الصِّدْقَ مُبَارَكٌ الْكَذِبُ شَوْؤُمٌ» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۶۷)؛ راست‌گویی، (سبب) روسفیدی است و (نام چنین فردی با این صفت در ردیف) راست‌گویان نوشته می‌شود. بدان که راست‌گویی (پسندیده) و مبارک و دروغ‌گویی شوم و (ناپسند) است.»

در تحلیل روان‌شناختی صداقت به گفتار و رفتاری گفته می‌شود که فرد انگیزه و قصدی مغایر با مفاد گفتار و رفتارش نداشته باشد. هنگامی که فرد در ارتباط کلامی یا بدنی صداقت نداشته باشد؛ ارتباطی متعارض یا دوسطحنی برقرار می‌شود، به گونه‌ای که مفاد سخن فرد چیزی برخلاف انگیزه و قصد او خواهد بود. در این حالت، مخاطب به مفاد کلام یا رفتار فرد پاسخ می‌دهد، ولی هنگامی که دریافت انگیزه فرد امری دیگری است؛ در واکنش به رفتار یا گفتارهای بعدی او سردرگم خواهد شد. (سالاری‌فر، ۱۳۹۳، ص ۱۱۶)

بنابراین، برای دستیابی به سلامت روابط در خانواده و کارآمدی آن، باید روابط کلامی و بدنی مثل آهنگ صدا، تماس‌های چشمی، نگاه‌ها، وضعیت افراد نسبت به هم و حرکات بدن واضح و شفاف



باشد و فرد را دچار سردرگمی نکند. در واقع، همه ابعاد روان‌شناختی فرد اعم از عاطفی، هیجانی، رفتاری و شناختی یک مطلب را نشان دهد. چنین ارتباط صادقانه، کارآمد و بهنجاری به اعضای خانواده امکان می‌دهد که به کمال و بالندگی برسند و با غلبه بر مشکلات، بر کارآمدی خانواده بیفزایند. (همان)

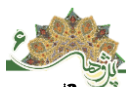
۴. صبر

«صبر» در لغت، به معنای حبس و در تنگنا و محدودیت قرار دادن است و در اصطلاح به معنای خوشتن‌داری و حبس نفس بر چیزی که عقل و دین تقاضا می‌کند و خوشتن‌داری و حبس نفس از چیزی که شرع و عقل از آن نهی می‌کند. (راغب‌اصفهانی، همان، ص ۴۷۴)

بنابراین «صبر» یک صفت نفسانی بازدارنده و عامی است که دو جهت عمده دارد: از یک سو گرایش‌ها و تمایلات غریزی و نفسانی انسان را حبس و در قلمرو عقل و شرع محدود می‌نماید، و از سوی دیگر نفس را از مسئولیت‌گریزی در برابر عقل و شرع باز داشته و آن را وادار می‌کند که زحمت و دشواری پایبندی به وظایف الهی را بر خود هموار سازد. البته این حالت اگر به سهولت و آسانی در انسان تحقق یابد، به آن «صبر» و هرگاه فرد خود را با زحمت و مشقت بدان وادار سازد، «تصبر» می‌گویند. (دیلمی و آذربایجانی، اخلاق اسلامی، ص ۱۵۳)

قرآن کریم سرچشمه صبر را خداوند متعال معرفی می‌نماید:

﴿وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ...﴾ (نحل: ۱۲۷)؛ «و تو [ای رسول]



صبر و تحمل پیشه کن که صبر تو تنها به [توفیق] خداست،!...

و در جای دیگر می‌فرماید که تنها برای خدا صبر کنید:

﴿وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ﴾ (مدثر: ۷)؛ «و به خاطر پروردگارت شکیبایی

کن.»

«صبر» ملاک شناخت مجاهدین و صابرين است:

﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَنَبْلُوَ

أَخْبَارَكُمْ﴾ (محمد: ۳۱)؛ «ما همه شما را قطعاً می‌آزماییم تا معلوم شود

مجاهدان واقعی و صابران از میان شما کیان‌اند، و اخبار شما را

بیازماییم!»

پیامبر گرامی اسلام ﷺ درباره نشانه‌های صابرين می‌فرماید:

«عَلَامَةُ الصَّابِرِ فِي ثَلَاثٍ أَوَّلُهَا أَنْ لَا يَكْسَلَ وَالثَّانِيَةُ أَنْ لَا يَضْجَرَ وَ

الثَّالِثَةُ أَنْ لَا يَشْكُو مِنْ رَبِّهِ تَعَالَى لِأَنَّهُ إِذَا كَسَلَ فَقَدْ ضَيَّعَ الْحَقَّ وَ إِذَا ضَجَرَ

لَمْ يُؤَدِّ الشُّكْرَ وَ إِذَا شَكََا مِنْ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَدْ عَصَاهُ (ابن بابویه؛ علل

الشرايع، ج ۲، ص ۴۹۸، ح ۱)؛ صبور سه نشانه دارد: اول آن‌که سستی

نمی‌کند، دوم آن‌که افسرده و دلتنگ نمی‌شود و سوم آن‌که از پروردگار

خود شکوه نمی‌کند؛ زیرا اگر سستی کند، حق را ضایع کرده، و اگر

افسرده و دلتنگ باشد شکر نمی‌گذارد و اگر از پروردگارش شکوه کند

او را معصیت کرده است.»

امام علی (ع) درباره اهمیت صبر می‌فرماید:

«الصَّبْرُ فِي الْأُمُورِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ فَإِذَا فَارَقَ الرَّأْسُ الْجَسَدَ

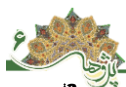


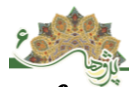
فَسَدَ الْجَسَدُ وَإِذَا فَارَقَ الصَّبْرُ الْأُمُورَ فَسَدَتِ الْأُمُورُ (کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۹۰، ح ۹)؛ نقش صبر در کارها همانند نقش سر در بدن است؛ هم‌چنان که اگر سر از بدن جدا شود بین می‌رود، صبر نیز هرگاه همراه کارها نباشد، کارها تباه می‌گردند.»

زندگی خانوادگی، دارای سختی و گرفتاری و اختلاف سلیقه و نظر است و به علت تنگاتنگی روابط، این امور تأثیر جدی بر اعضای خانواده می‌گذارد. از این رو لازم است زن و شوهر در رویارویی با مسائلی که پیش می‌آید، شکیباً باشند، زیرا بردباری بدون بی‌تابی و شکایت در زندگی سبب پیوند و نزدیکی بیش‌تر زن و شوهر، و عبور از تنگناهای زندگی می‌شود. (عیسی‌زاده، ۱۳۹۰، صص ۷۳-۷۲)

۵. حسن خلق

یکی دیگر از ویژگی‌های اخلاقی همسر خوب، اخلاق نیکو داشتن و آراسته بودن به فضایل اخلاقی و در حد توان درصدد دوری از زشتی‌های اخلاقی است. (شریفی، همان، ص ۱۷۷) در فرهنگ اسلامی حسن خلق دارای دو مفهوم خاص و عام است. در مفهوم عام حسن خلق شامل کلیه اوصاف و خصلت‌های پسندیده‌ای است که انسان باید روح و وجود خود را به آن بیاراید، که از آن به مکارم اخلاق تعبیر می‌شود. اما حسن خلق به معنای خاص عبارت است از خوشرویی، خوشرفتاری، حسن معاشرت و برخورد پسندیده با دیگران. (شاه‌میرزایی و میرحیدری، صفات اخلاقی مرد شایسته از دیدگاه اسلام، همان)





در متون اسلامی به رعایت حسن معاشرت میان زن و شوهر، بسیار تأکید شده است. قرآن کریم به مردان سفارش نموده که با همسران خود به شایسته رفتار نمایند؛ ﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (نساء: ۱۹). پیامبر گرامی اسلام (ص) اخلاق و دین را به عنوان دو ملاک و معیار اصلی در ازدواج و انتخاب همسر بیان فرموده‌اند. (مظاهری، جوانان و انتخاب همسر، مرکز اطلاع‌رسانی غدیر)

«اذا جاءكم من ترضون خلقه و دینه فزوجوه، و ان لا تفعلوا تکن فتنه فی الارض و فساد کبیر (مجلسی، همان، ج ۸۸، ص ۲۶۴)؛ با کسی که اخلاق و دینش مورد پسند باشد، ازدواج نمایید؛ و اگر چنین نکنید، فتنه و فساد بزرگی در زمین به وجود خواهد آمد!»
امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْسَنَ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ زَوْجَتِهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ مَلَكَهُ نَاصِيَتَهَا وَ جَعَلَهُ الْقَيِّمَ عَلَيْهَا (طبرسی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۱۷)؛ خداوند رحمت کند بنده‌ای را که با همسرش خوش‌رفتار باشد؛ چرا که خداوند عز و جل اختیار زن را به او سپرده و مرد را سرپرست او قرار داده».

مرکز پژوهش‌های اسلامی مصوبه

ب) ویژگی‌های اخلاقی مرد خوب

از جمله مراحل مهم در انتخاب همسر برای زنان (و خانواده آنان)، توجه به صفات و ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی مردی است که از

ایشان درخواست ازدواج نموده است. اسلام صفات یک انسان متعهد و متدین را به روشنی در یک چارچوب مشخص بیان نموده و ایجاد یک جامعه سالم را در گرو تبیین این صفات در فرد فرد افراد آن جامعه دانسته است. (شاه‌میرزایی و میرحیدری؛ صفات اخلاقی مرد شایسته از دیدگاه اسلام، همان) در این مبحث به بررسی بعضی از صفات می‌پردازیم.

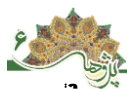
۱. فعال و تلاشگر

یکی از صفات بسیار مهم اخلاقی مرد فعال و پرتلاش بودن در زمینه کار و درآوردن رزق و روزی حلال است. اسلام علاوه بر تضمین روزی از جانب خداوند متعال، بر کار و تلاش هم تأکید فراوان دارد. (همان) خداوند متعال در قرآن کریم فرموده‌اند:

«وَ أَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم: ۳۹)؛ «و انسان جز محصول کار خویش مالک چیزی نیست.»

یک مرد واقعی باید در زندگی خود هدف و پشتکار داشته باشد، پس باید با جدیت در طلب آن چه خداوند برای او مقدر نموده تلاش نماید، تا برای ساختن یک زندگی خوب برای خود و خانواده خود موفقیت بیش‌تری کسب نماید. (همان) رسول گرامی اسلام ﷺ درباره اهمیت کار و تلاش در زندگی می‌فرمایند:

«الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ تِسْعَةٌ مِنْهَا فِي طَلَبِ الْحَلَالِ» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۲۰)؛ عبادت ده جزء است که نه جزء آن در کار و تلاش برای به



دست آوردن روزی حلال است.»

و امام علی(ع) می‌فرماید:

«طاعة الله سبحانه لا يحوزها إلا من بذل الجَدَّ و استفرغ الجهد (آمدی،

همان، ص ۴۳۵، ح ۲۷)؛ به طاعت خدای سبحان دست نیابد مگر کسی

که تلاش کند و نهایت کوشش خود را به کار گیرد.»

هم‌چنین آن حضرت می‌فرماید:

«عليكم بالجدِّ والاجتهاد و التأهّب و الاستعداد (سید رضی،

نهج‌البلاغه، خ ۱۳۰)؛ بر شما باد به تلاش و سخت‌کوشی و مهیا شدن و

آماده گشتن.»

کار و تلاش موجب وسعت روزی انسان و بی‌نیازی از اطرافیان

می‌شود. مردی که اهل تلاش و فعالیت باشد از دیگران و حتی والدین

خود بی‌نیاز گشته و دارای استقلال رأی و احترام اجتماعی است، که در

این صورت باعث سربلندی همسر و کلیه اعضای خانواده خواهد شد.

(شاه‌میرزایی و میرحیدری؛ همان)

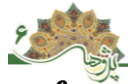
۲. توانا در مدیریت و سرپرستی خانواده

مردان بر اساس استعدادهای ذاتی که خداوند متعال در وجود آنان

قرار داده، وظایف مشخصی را در زندگی زناشویی بر عهده دارند.

(همان) قرآن کریم به این نکته اشاره نموده و وظایف مردان را

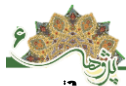
برمی‌شمارد:



«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (نساء: ۳۴)؛ «مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، به دلیل برتری‌هایی که خداوند برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و به خاطر انفاق‌هایی که از اموال‌شان در مورد زنان می‌کنند.»

قوامیت مردان بر زنان به این معناست که مردان به علت دارا بودن برخی استعدادها در انجام کارهای سخت و سنگین، قدرت و تسلط بیش‌تر نیروی فکر بر نیروی عاطفه در دفاع از کیان خانواده در مقابل مشکلات، از وظایف بیش‌تری نسبت به زنان برخوردارند. سرپرستی، پاسداری و مدیریت خانواده از مفاهیم ویژه قوامیت مرد در خانواده است. از طرفی چنان‌که در متن آیه به صراحت بدان اشاره گردیده، از دیدگاه اسلام وظیفه تأمین معاش در خانواده بر عهده مرد است، که این موضوع نیز از دیگر مفاهیم قوامیت مرد در خانواده است. (همان) امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید:

«رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْسَنَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ زَوْجَتِهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَدْ مَلَكَ نَاصِيَتَهَا وَجَعَلَهُ الْقِيمَ عَلَيْهَا» (ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۴۳) خداوند رحمت کند بنده‌ای را که میان خود و همسرش روابط حسنه برقرار کند، زیرا خداوند سرنوشت زن را به دست او سپرده و او را موظف به سرپرستی وی کرده است.»



۳. غیرتمندی

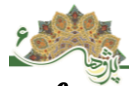
یکی از ویژگی‌های مهم اخلاقی مرد خوب، غیرتمندی نسبت به خانواده و همسر است. «غیرت» به معنای نفرتی طبیعی است که از بخل مشارکت دیگران در امر مربوط به محبوب فرد ناشی می‌شود. از جمله محبوب‌ترین افراد بشر برای انسان، خود او و وابستگان نزدیک او از جمله همسر و فرزند است. فرد غیور از آن‌جا که به خود علاقه‌مند است، اجازه مشارکت به دیگران درباره خود را نمی‌دهد و این غیرت، او را به عفت رهنمون می‌سازد.» (حسین زاده؛ همان)

امام علی (ع) می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يَغَارُ لِلْمُؤْمِنِ فَلْيَغِرْ، مَنْ لَا يَغَارُ فَإِنَّهُ مَنكُوسُ الْقَلْبِ (مجلسی، همان، ج ۷۹؛ ص ۱۱۵)؛ خداوند برای مؤمن، غیرت می‌ورزد، پس او نیز باید غیرت آورد. هر کس غیرت نوزد، دلش وارونه است.»

غیرت از فضایل اخلاقی است که ریشه در احساسات اجتماعی و نوع‌دوستانه دارد. غیرت جنسی، نوعی مأموریتی است که خداوند متعال بر عهده مردان قرار داده تا از آلودگی نسل بشر به فساد و انحرافات جنسی جلوگیری نماید. اما اگر به این ویژگی فطری توجه نشود و به خواسته آن عمل نشود کم‌کم تأثیر خود را از دست خواهد داد. (شریفی، همان، صص ۱۸۶-۱۸۵)

کسی که به حفظ ناموس خود حساس باشد، هرگز حاضر نیست به ناموس دیگران تجاوز کند و از مرد از آن‌جا که به همسر خود علاقه‌مند است، به دیگران اجازه مشارکت در امور مربوط به او را نمی‌دهد.



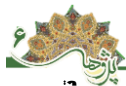
غیرت و توجه به عفت و پاکدامنی همسر زمینه‌ساز حفاظت از آلودگی‌های مختلف و موجب سازگاری هرچه بیش‌تر او خواهد شد. البته نباید فراموش کرد که، غیرت نشان دادن در غیر جایگاه درست آن، موجب دوری آنان از عفاف و پاکدامنی خواهد شد. (حسین‌زاده، همان) زیرا غیرت‌ورزی بی‌جا و نادرست به سوء ظن و بدگمانی نسبت به همسر کشیده می‌شود و آثار بدی را به دنبال خواهد داشت (شریفی، همان، ۱۸۷)

امام علی(ع) در سفارش خود به امام حسن(ع)، درباره غیرت بی‌جا می‌فرماید:

«وَإِيَّاكَ وَالتَّغَايِرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعٍ غَيْرَةٍ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ إِلَى الْأَسْقَمِ وَالْبَرِيئَةَ إِلَى الرَّيْبِ (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱)؛ از غیرت نشان دادن بی‌مورد اجتناب کن، زیرا این عمل درستکاران را بیماردل و افراد پاکدامن را به سوی شک و بدگمانی سوق می‌دهد.»

۴. سخاوت

سخاوت در لغت از «سَخَو» به معنی جود و بخشش آمده و «سَخِي» به معنی بخشنده است. (ابن‌منظور، لسان‌العرب، ج ۱۴، ص ۳۷۳) سخاوت در مقابل بخل قرار دارد و از جمله مشهورترین صفات پیامبران الهی و معروف‌ترین اخلاق اولیای خداوند متعال است. (نراقی، معراج‌السعادة، همان، ص ۴۰۷) چنان‌که پیامبرگرامی اسلام(ص) می‌فرماید:



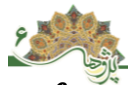
«السَّخِيُّ قَرِيبٌ مِنَ اللَّهِ، قَرِيبٌ مِنَ النَّاسِ، قَرِيبٌ مِنَ الْجَنَّةِ (کلینی، همان، ج ۴، ص ۴۰؛ سخاوتمند به خدا، مردم و بهشت نزدیک است.»
و در روایت دیگر می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ، سَخِيُّ يُحِبُّ السَّخَاءَ، نَظِيفٌ يُحِبُّ النَّظَافَةَ (کرمی‌فریدنی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۸، ح ۶۹۰؛ خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد، بخشنده است و بخشش را دوست دارد، پاکیزه است و پاکیزگی را دوست دارد.»

در قرآن کریم واژه «سخاوت» نیامده، اما به موازات آن عناوینی چون: انفاق (آل عمران: ۱۱۷ و ۱۸۰)، عطا (لیل: ۷-۵)، اطعام (انسان: ۹) به کار گرفته شده است. (ر.ک: محجوب؛ مؤذنی، ۱۳۹۳)

سخاوت و روحیه گشاده‌دستی از صفات بسیار مؤثر اعضای خانواده، به ویژه مرد است. از آن‌جا که معمولاً مردان مسئولیت اقتصادی خانواده را بر عهده دارند، بخل‌ورزی آن‌ها شرایط رفاهی خانواده را دشوار می‌سازد. در تعلیم اسلام، بر توسعه و ایجاد رفاه بیش‌تر برای خانواده بسیار تأکید گردیده و تجلی نعمت‌ها و مواهب مادی که از جانب خداوند به فرد داده شده، امری مناسب و پسندیده قلمداد شده است. (سالاری‌فر، همان، ص ۱۲۳) امام علی (ع) می‌فرماید:

«حُسْنُ الْخُلُقِ فِي ثَلَاثٍ اجْتِنَابِ الْمَحَارِمِ وَ طَلَبِ الْحَلَالِ وَ اتَّوَسُّعِ عَلَى الْعِيَالِ (مجلسی، همان، ج ۶۸، ص ۳۹۴)؛ خوش‌اخلاقی در سه چیز



است: دوری کردن از حرام، طلب حلال و فراهم آوردن آسایش و رفاه برای خانواده.»

نکته بسیار مهم این است که اسلام بین زن و شوهر در مورد صفت سخاوت و بخل فرق گذاشته و از زن انتظار سخاوت ندارد؛ این امر برای آن است که زن در مخارج بیش‌تر دقت کند تا در اثر مصارف بی‌رویه و بخشش زیاد، خانواده را از لحاظ اقتصادی با مشکل روبه‌رو نسازد. (سالاری‌فر، همان)

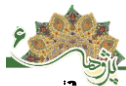
ج) ویژگی‌های اخلاقی زن خوب

زن ستون خانه و خانواده و کسی است که فرزندان را در دامن خود پرورش می‌دهد و آینده جامعه را با تربیت صحیح فرزندان رقم می‌زند. یکی از برکات و نعمات بسیار مؤثر در زندگی مردان داشتن همسر شایسته است. (شاه‌میرزایی و میرحیدری، همان)

رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرمایند:

«مَا اسْتَفَادَ الْمُؤْمِنُ بَعْدَ تَقْوَى اللَّهِ خَيْرًا لَهُ مِنْ زَوْجَةٍ صَالِحَةٍ»
(محمدری‌شهری، ۱۳۸۴، ج ۵، ص ۱۰۳)؛ مؤمن، پس از تقوای الهی، بهره‌ای بهتر از همسر شایسته نبرده است.»

دین اسلام صفات و شاخصه‌های ویژه‌ای برای زن خوب معرفی نموده که به توصیف برخی از آن خواهیم پرداخت.



۱. قناعت

قناعت در لغت به معنای اکتفا کردن به اندک از آنچه مورد نیاز انسان است و رضایت به چیزی که نصیب شخص می‌شود، تعریف شده است. (راغب اصفهانی، همان، ص ۶۸۵) قناعت در اصطلاح علم اخلاق، صفتی است که در مقابل حرص قرار دارد؛ و آن حالتی است برای نفس، که باعث می‌شود شخص به مقدار نیاز و ضرورت اکتفا نماید و در به دست آوردن زاید بر آنچه نیاز دارد خود را به زحمت نیندازد. (نراقی، ۱۳۸۸، ص ۳۹۶)

در روایات، قناعت در مقابل اسراف، تبذیر و حرص به کار رفته است؛ امام باقر(ع) می‌فرماید:

«أَنْزَلَ سَاحَةَ الْقَنَاعَةِ بِاتِّقَاءِ الْحَرَصِ وَادْفَعِ عَظِيمَ الْحَرَصِ بِإِثَارِ الْقَنَاعَةِ» (مجلسی، همان، ج ۷۸، ص ۴۵۳)؛ با پرهیز از حرص به میدان قناعت فرود آید و حرص بزرگ را با گزینش قناعت از خویش دور کنید. و امام صادق(ع) می‌فرماید:

«كُلَّمَا نَقَصَ مِنَ الْقَنَاعَةِ زَادَ فِي الرِّغْبَةِ وَالطَّمَعِ» (همان، ج ۶۸، ص ۳۴۹)؛ هرچه از قناعت کاسته شود در رغبت و طمع افزوده می‌شود.

یکی از ویژگی‌های زن خوب این است که بداند کم‌توقعی علاوه بر این‌که از اخلاق انبیاء و اولیاء الهی است، صفتی است که باعث می‌شود به آن چه خداوند متعال به او داده است راضی باشد. از طرفی باید آگاه باشد خواسته‌های بی‌مورد و توقعات بی‌جایش شخصیت شوهرش را به

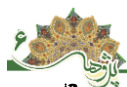


خاطر عدم توانایی مالی تحقیر می‌کند و کم‌کم با رفتارهای ناپسند خود اعضای خانواده دچار حسرت و غم کمبودهای مالی می‌شوند. اما اگر اعتدال و میانه‌روی را پیشه کند و مخارج غیرضروری را از زندگی خود حذف کند و جلوی اسراف‌ها و زیاده‌روی را بگیرد، می‌تواند الگوی عملی و مشوق اصلی قناعت و ساده‌زیستی برای خانواده خود باشد. (شاه‌میرزایی و میرحیدری، همان) زنانی که قناعت پیشه می‌کنند به فرموده امیرالمؤمنین علی (ع) در زمره بهترین زنان قرار می‌گیرند:

«خَيْرَ النِّسَاءِ الْخُمْسُ . فَقِيلَ مَا الْخُمْسُ؟ قَالَ: الْهَيْئَةُ اللَّيْنَةُ الْمَوَاتِيَّةُ الَّتِي إِذَا غَضِبَ زَوْجُهَا لَمْ تَكْتَحِلْ بِغَمَضٍ حَتَّى يَرْضَى الَّتِي إِذَا غَضِبَ زَوْجُهَا لَمْ تَكْتَحِلْ بِغَمَضٍ حَتَّى يَرْضَى وَ الَّتِي إِذَا غَابَ زَوْجُهَا حَفِظَتْهُ فِي غَيْبَتِهِ فَتَلَكَ عَامِلِهِ مِنْ عَمَالِ اللَّهِ لَا تَخِيبُ (حرعاملی، وسائل الشیعه، ج، ص ۲۹)؛ بهترین زنان شما پنج گونه‌اند. گفته شد: پنج گونه کدام است؟ فرمودند: آسان‌گیر باشد، نرم‌خو باشد، بساز باشد، چون شوهر به خشم آید نیارآمد تا خشنودی او را فراهم آورد، در غیاب شوهرش حیثیت او را حفظ کند. این زن از عمال حق است و از لطف پروردگار ناامید نمی‌شود.»

۲. حجاب

از جمله صفات اخلاقی که مردان باید در انتخاب همسر به آن توجه نمایند، «حجاب» زن است. البته این مسأله مختص زنان نیست و شامل مردان نیز می‌شود؛ اما نوع پوشش زنان به دلیل ساختار خاص



جسمانی‌شان، مورد تأکید بیش‌تری قرار گرفته است. (شریفی، همان، ص ۱۸۷) خداوند متعال در قرآن کریم حکم حجاب را تشریح نموده و می‌فرماید:

﴿وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءَ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَىٰ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَىٰ الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (نور: ۳۱)؛ «و به زنان بایمان بگو چشم از نگاه به مردان اجنبی فرو بندند و فرج‌های خویش را حفظ کنند و زینت خویش را جز آن‌چه آشکار است آشکار ن سازند و باید که روپوش‌های‌شان را به گریبان‌ها کنند و زینت خویش را نمایان نکنند مگر برای شوهران‌شان، یا پدران و یا پدر شوهران یا پسران و یا پسر شوهران و یا برادران و یا خواهرزادگان و یا برادرزادگان و یا زنان و یا آن‌چه مالک آن شده‌اند یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند و یا کودکانی که از اسرار زنان خبر ندارند، و مبادا پای خویش را به زمین بکوبند تا آن‌چه از زینت‌شان که پنهان است ظاهر شود ای گروه مؤمنان همگی به سوی خدا توبه برید شاید رستگار شوید.»

و در سورة احزاب می‌فرماید:



﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا﴾
(احزاب: ۵۹)؛ «ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: «جلباب‌ها [روسی‌های بلند] خود را بر خویش فرو افکنند، این کار برای این‌که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است (و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آن‌ها سرزده توبه کنند) خداوند همواره آمرزنده رحیم است.

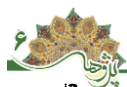
اسلام با تشریع حکم حجاب می‌خواهد:

الف) به بهداشت روانی مردان و زنان کمک کند؛ زیرا اگر میان زن و مرد حریمی وجود نداشته باشد و زنان همه زیبایی خود را در منظر مردان قرار دهند، از سویی آرامش روانی مردان را به هم می‌ریزد و مردان همواره به دنبال اشباع این عطش روانی هستند. و از سویی دیگر برای ارضای تقاضاهای جنسی تحریک‌شده خود، آرامش و امنیت را از زنان سلب خواهند کرد. (شریفی، همان، ص ۱۸۸)

ب) روابط خانوادگی را استوار ساخته و از سست شدن نظام خانواده جلوگیری نماید. (همان)

ج) شخصیت و کرامت زن را حفظ نموده و او را از یک شخصیت ابزاری (برای تأمین نگاه‌های آلوده مردان) به شخصیتی مستقل تبدیل نماید. (همان)

د) حریم اجتماع را از نگاه‌ها و روابط آلوده جنسی نگه دارد. (همان)



در قرآن کریم دربارهٔ برخی از آثار روانی حجاب مطالب زیادی بیان شده است؛ به عنوان مثال، در آیه ۶۰ سورهٔ نور دربارهٔ فلسفهٔ حجاب می‌فرماید: ﴿وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ﴾؛ و اگر «زنان» خود را بپوشانند برای آن‌ها (خیر) بهتر است. کلمهٔ «خیر»، که به معنای سود و نفع است، به دلیل اطلاقش، هم شامل نفع مادی می‌شود و هم نفع معنوی. (رجبی، ۱۳۸۳)

در آیه ۵۳ سورهٔ احزاب، سود و نفع حجاب مشخص‌تر بیان شده است: ﴿ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ﴾ این کار برای پاکی دل‌های شما و آن‌ها بهتر است. پس می‌توان گفت: طبق این دو آیه، اثر مهم حجاب برای زن، طهارت و پاکی قلبی است که مقدمه‌ای برای رسیدن به سلامت قلبی (قلب سلیم) است و در روان‌شناسی، از آن به «سلامت روانی» تعبیر می‌شود. (همان)

در کلام معصومین (ع) نیز بر اهمیت حجاب برای زن تأکید شده است. امام علی (ع) در نامه‌ای به امام حسن مجتبی (ع) می‌فرماید:

«وَ اكْفُفْ عَلَيْهِنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكِ إِيَّاهُنَّ فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ أَبْقَى عَلَيْهِنَّ وَ لَيْسَ خُرُوجُهُنَّ بِأَشَدَّ مِنْ إِدْخَالِكِ مَنْ لَأَيُوثِقُ بِهِ عَلَيْهِنَّ وَ إِنْ اسْتَطَعْتَ أَلَّا يَعْرِفَنَّ غَيْرَكَ فَافْعَلْ (نهج البلاغه، نامه ۳۱)؛ با پوششی که بر زنان قرار می‌دهی دیدهٔ آنان را از دیدن مردمان بازدار؛ زیرا سختی حجاب آنان را پاک‌تر نگاه می‌دارد، و بیرون رفتن زنان از خانه بدتر از این نیست که افراد غیرمطمئن را بر آنان درآوری، و اگر بتوانی



چنان کن که غیر تو را نشناسند.»

و نیز می‌فرماید:

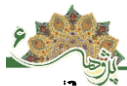
«صَيَانَةُ الْمَرْأَةِ أَنْعَمُ لِحَالِهَا وَ [أَدْوَمَ] لِحَمَالِهَا (نوری، همان، ج ۱۴، ص ۲۵۵) محفوظ داشتن (حجاب) برای حال زن بهتر است و سبب دوام زیبایی او می‌شود.»

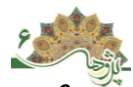
۳. استقبال و همراهی

استقبال زن از همسرش هنگام وارد شدن او به منزل یا همراهی او هنگام بیرون رفتن، نشانهٔ علاقه‌مندی و صمیمیت میان آنان است و این عمل علاوه بر این که اجر معنوی به دنبال خواهد داشت، موجب افزایش مهر و محبت در میان آنان می‌گردد. افزون بر آن در تعالیم اسلام، این کار زن از وظایف اخلاقی او تلقی شده است. (شریفی؛ پناهی، ۱۳۸۸)

رسول گرامی اسلام (ص) در حدیثی در بارهٔ حق مرد بر زن چنین می‌فرماید:

«حَقُّ الرَّجُلِ عَلَى الْمَرْأَةِ إِنْارَةُ السَّرَاجِ وَ إِصْلَاحُ الطَّعَامِ وَ أَنْ تَسْتَقْبِلَهُ عِنْدَ بَابِ بَيْتِهَا فَتَرْحَبَ وَ أَنْ تَقْدِمَ إِلَيْهِ الطَّسْتِ وَ الْمُنْدِيلَ وَ أَنْ تَوْضِأَ وَ أَنْ لَا تَمْنَعَهُ نَفْسَهَا إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ (نوری، همان، ج ۱۴، ص ۲۵۴)؛ حق مرد بر زن آن است که چراغ خانه را روشن کند (حفظ منزل نماید)، غذا را آماده کند و هنگام ورود مرد به خانه، تا جلوی در به استقبال او برود و به او خوش آمد بگوید.»





در روایتی آمده که مردی خدمت رسول خدا(ص) آمد و عرض کرد: همسری دارم که هرگاه وارد خانه می شوم به استقبال می آید، و چون از خانه بیرون می روم بدرقه ام می کند و زمانی که مرا اندوهگین می بیند می گوید: اگر برای رزق و روزی (و مخارج زندگی) غصه می خوری، بدان که خداوند آن را به عهده گرفته است و اگر برای آخرت خود غصه می خوری، خدا اندوهت را زیاد کند [و بیش تر به فکر آخرت باشی]. رسول خدا(ص) فرمودند:

«إِنَّ لِلَّهِ عُمَّالًا وَ هَذِهِ مِنْ عُمَّالِهِ لَهَا نَصْفُ أَجْرِ الشَّهِيدِ (طبرسی، مکارم الاخلاق، ج ۱، ۲۰۰)؛ برای خدا کارگزارانی [در روی زمین] است و این زن یکی از کارگزاران خداست که پاداش او برابر با نیمی از پاداش شهید است.»

اهمیت دادن به حضور همسر در منزل و اظهار خوشحالی به هنگام ورود شوهر به خانه و اهمیت دادن به شخصیت و جایگاه او، موجب به وجود آمدن این تصور در شوهر می شود که در خانه و میان اهل خانه عزیز و محبوب است. بنابراین وقتی در کنار افراد خانواده است، احساس رضایت خاطر درونی می کند و با انرژی و امید فراوان به طرف کار و تلاش خود می رود. (شریفی؛ پناهی، همان)

د) توجه به تفاوت های اخلاقی زن و مرد

خداوند متعال، زن و مرد را تنها در انسانیت یکسان آفریده است، ولی گرایش و عواطف و احساسات آنان را مختلف نموده و مطابق میدان

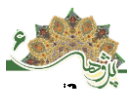
فعالیت و خط مشی طبیعی و مسیر خاص زندگی هر یک از آنها قرار داده است. (مصطفوی، بهشت خانواده، ج ۱، مرکز اطلاع‌رسانی غدیر) اختلاف روحيات و معنویات زن و مرد به حدی است که برخی از صفاتی که برای مردان، ناپسند شمرده شده، برای زنان، پسندیده باشد. (همان) توجه به این تفاوت‌های اخلاقی در امر ازدواج و انتخاب آگاهانه بسیار مؤثر خواهد بود.

امام علی (ع) در نهج‌البلاغه به بیان برخی از این تفاوت‌های اخلاقی مردان و زنان پرداخته‌اند:

«خيارُ خصال النساء شرارُ خصال الرجال: الزَّهْوُ، والجُبْنُ والبُخل؛ فإذا كانت المرأة مَزهوَةً لم تَمَكَّنْ من نفسها، وإذا كانت بخيلةً، حَفَظَتْ مَالَهَا و مالَ بَعْلِهَا، وإذا كانت جَبَانَةً فَرَقَتْ من كُلِّ شَيْءٍ يَعْريْضُ لَهَا (نهج‌البلاغه، حکمت ۲۳۴)؛ برخی از نیکوترین خلق و خوی زنان، زشت‌ترین اخلاق مردان است، مانند: تکبر، ترس، بخل؛ هرگاه زنی متکبر باشد بیگانه را به حریم خود راه نمی‌دهد، و اگر بخیل باشد اموال خود و شوهرش را حفظ می‌کند، و چون ترسان باشد از هر چیزی که به آبروی او زیان رساند فاصله می‌گیرد.»

۱. رفتار متکبرانه

«تکبر» از ماده «کبر» و آن حالتی در انسان است که بر اثر خودپسندی، خویش را برتر از دیگران ببیند. (راغب‌اصفهانی، همان، ص ۶۹۶) تکبر از جمله رذایل اخلاقی است، که در آیات و روایات از



آن نکوهش شده و به اعتقاد بسیاری از علمای اخلاق، مادر همه رذایل اخلاقی و ریشه تمام بدبختی‌ها و صفات زشت انسانی است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۹)

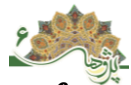
پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید:

«إِيَّاكُمْ وَالْكِبْرَ فَإِنَّ إِبْلِسَ حَمَلَهُ الْكِبْرُ عَلَى تَرْكِ السُّجُودِ لِآدَمَ فَلَعَنَهُ اللَّهُ» (کرمی‌فریدنی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۷)؛ بر شما باد که از خصلت زشت خود بزرگ‌بینی پرهیزید، چرا که ابلیس را خصلت تکبر به جایی کشاند که برای آدم سجده نکند.

طبق تعالیم اسلامی شایسته نیست انسان (اعم از زن و مرد) خود را نسبت به دیگری برتر بداند و رفتار متکبرانه داشته باشد. اما بنابر فرمایشات امام علی (ع) زن باید در برابر مرد نامحرم، رفتار متکبرانه و مغرورانه داشته باشد. رفتار متکبرانه زن در برابر نامحرم باعث می‌شود مردی به او نزدیک نشود. (ر.ک: مصطفوی، همان) در واقع این تکبر مربوط به رفتار زن می‌شود نه خلق و خوی او. (مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۱۱۴)

۲. جبن

«جبن» در کتب لغت، به معانی ترس، ضعف القلب (راغب اصفهانی، همان، ص ۱۸۶)، ضد شجاعت (ابن منظور، همان، ج، ص ۸۴) آمده است. «ترس» از صفات رذیله اخلاقی است که آن را می‌توان به سه قسم کلی تقسیم نمود: ترس از موهومات و امور ناخوشایند، ترس از



مرگ و خوف از خداوند. ترس در امور ناخوشایند دنیوی از جمله رذایل محسوب می‌شود و منشأ آن ضعف نفس است. (غضنفری، اخلاق در قرآن و سنت حاوی یکصد مبحث اخلاقی، ج ۱، ص ۱۸۹) امام علی (ع) می‌فرماید:

«احْذَرُوا الْجُبْنَ فَإِنَّهُ عَارٌ وَ مَنْقَصَةٌ (آمدی، همان، ص ۱۶۰)؛ از ترس برحذر باشید که آن موجب ننگ و باعث نقص است.»

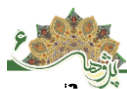
و نیز می‌فرماید:

«شِدَّةُ الْجُبْنِ مِنْ عَجْزِ النَّفْسِ وَ ضَعْفِ الْيَقِينِ (همان، ص ۴۱۴)؛ ترس زیاد از ناتوانی نفس و ضعف یقین است.»

زن به عنوان یک صاحب عفت، حامل یک امانت بزرگ انسانی است که همواره باید مراقب آن باشد و از طرفی عفت زن یک امری است که مورد تجاوز مرد قرار می‌گیرد؛ بنابراین مسأله جبن که در حکمت ۲۳۴ نهج البلاغه آمده در موردی است که عفت زن در معرض خطر قرار گیرد. (ر.ک: مطهری، همان، ص ۱۱۷) بنابراین مقصود از ترس در این فراز از حکمت، یک نوع حالت روحی بازدارنده‌ای است که زنان را از وارد شدن در مهلکه‌های خطرناک و ویرانگر باز می‌دارد. (بیرانوند، جایگاه و موقعیت زن در نهج البلاغه، تبیان)

۳. بخل

«بخل» یعنی امساک کردن در مقامی که باید بذل کرد، و ندادن آنچه را که باید داد. (نراقی، معراج السعاده، همان، ص ۴۰۴) «بخل» از



جمله صفات رذیله است که در متون اسلامی از آن نکوهش شده است. خداوند متعال در قرآن کریم بخل را از صفات کافران دانسته و می‌فرماید:

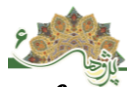
﴿الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا﴾ (نساء: ۳۷)؛ آن‌ها کسانی هستند که بخل می‌ورزند، و مردم را به بخل دعوت می‌کنند، و آنچه را که خداوند از فضل (و رحمت) خود به آن‌ها داده، کتمان می‌نمایند. (این عمل، در حقیقت از کفرشان سرچشمه گرفته) و ما برای کافران، عذاب خوارکننده‌ای آماده کرده‌ایم.»

پیامبر گرامی اسلام (ص) در حدیثی می‌فرماید:

«البخیل بعید من الله بعید من الناس، قریب من النار (مجلسی، همان، ج ۶۸، ص ۳۵۶)؛ بخیل از خدا دور است، از مردم نیز دور است و به آتش دوزخ نزدیک است.»

این صفت ناپسند در موارد معینی جزء صفات نیک زنان می‌باشد و آن وقتی است که می‌خواهد مال شوهرش را حفظ کند. (مصطفوی، همان) این روحیه به نوعی در خدمت استحکام خانواده قرار می‌گیرد، زنانی که از این عنصر در خانواده بهره می‌گیرند، به طور مستقیم در توانمندی و مدیریت اقتصادی خانواده تأثیر مثبت ایفا می‌کنند. (بیرانوند، همان)

این صفات به ظاهر مذموم جبران ضعف‌هایی را می‌کند که در

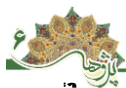


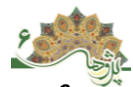
بسیاری از زنان وجود دارد؛ به عنوان مثال؛ جاذبه جنسی در برابر نامحرمان نقطه ضعفی است که تکبر آن را جبران می‌کند و ضعف جسمانی در برابر مهاجمان بیگانه نقطه ضعفی است که ترس جبران‌کننده آن است و موقعیت آسیب‌پذیر او در امانت‌داری خانه چیزی است که بخل آن را جبران می‌کند. (مکارم‌شیرازی، پیام امام امیرالمومنین (ع)، ج ۱۳، ص ۷۸۴)

بدیهی است که منظور امام (ع) این نیست که در همه جا زن باید متکبر، یا ترسو و یا بخیل باشد، بلکه هدف مواردی است که در صورت نداشتن این صفات به عفت یا امانت او لطمه می‌زند. وگرنه زنان نباید به بستگان، محرمان و دوستان زن خود تکبر ورزند یا از همه چیز حتی سایه خود بترسند یا در بخشش از اموال خود بخل به خرج دهند. (همان)

نتیجه‌گیری

۱. در نگاه اسلام، ازدواج زمینه‌ساز مودت و رحمت و رسیدن به آسایش خاطر و آرامش روان، و در نهایت کامیابی انسان در مسیر بندگی و قرب الهی است.
۲. مسأله مهم در ازدواج، انتخاب دقیق و آگاهانه در همسرگزینی است.
۳. در تعالیم اسلام، معیارهای اخلاقی مهمی برای دختر و پسر در





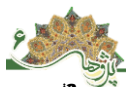
- انتخاب همسر در نظر گرفته شده است.
۴. برخی از این معیارها؛ بین دختر و پسر مشترک هستند. مانند:
- ایمان و تقوا، حیا و عفت، صبر، صداقت، حسن خلق.
۵. برخی دیگر مختص مردان است. مانند: تلاشگر بودن، توانایی مدیریت در خانواده، سخاوتمند بودن و غیرتمندی.
۶. بعضی از صفات اخلاقی نیز مختص زنان است مانند: قناعت، حجاب، استقبال و همراهی از شوهر.
۷. در تعالیم اسلامی، یکسری صفات بیان شده است که ارزش‌گذاری آن برای مرد و زن متفاوت است. از آن‌جا غرایز و عواطف و احساسات مرد و زن با هم متفاوت است، این اختلاف روحیات و معنویات زن و مرد به حدی است که برخی از صفاتی که برای مردان، ناپسند شمرده شده، برای زنان، پسندیده است. این صفات عبارت‌اند از: تکبر، بخل و ترس. این صفات برای مردان جزء رذیلت اخلاقی محسوب می‌شود، اما برای زنان در موارد خاص (همان‌طور که بیان شد) یک فضیلت به شمار می‌آید.
۸. شناخت صحیح و آگاهانه دختر و پسر، از ویژگی‌های اخلاقی که بیان شد، باعث می‌شود نوع نگرش آن‌ها نسبت به ملاک‌های همسر مناسب تغییر نماید و انتخاب دقیق و درست داشته باشند.

فهرست منابع

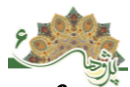
قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، رجایی، مهدی، قم: دار الکتاب الاسلامی، چاپ دوم.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، جلد ۱۳ و ۱۴، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع؛ دار صادر، چاپ سوم.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵)، علل الشرایع، جلد ۲، قم: کتاب فروشی داوری، چاپ اول.
۴. ابن بابویه، حمد بن علی (۱۴۰۵)، من لایحضره الفقیه، خراسان: حسن؛ بیروت - لبنان: دار الاضواء.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، جلد ۱۴، ۲۰، قم: مؤسسه آل البیت (ع)، چاپ اول.
۶. حیدری، مجتبی (۱۳۸۷)، دینداری و رضامندی خانوادگی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ سوم.
۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغت نامه دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ تهران، چاپ اول.
۸. دیلمی، احمد؛ آذربایجانی، مسعود (۱۳۹۷)، اخلاق اسلامی، دفتر نشر معارف.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی تا)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت؛ لبنان: دار الشامیه.



۱۰. سالاری فر، محمدرضا (۱۳۸۴)، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دهم.
۱۱. سبحانی نیا، محمد (۱۳۹۰)، راه و رسم زندگی، قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول.
۱۲. شریفی، احمدحسین (۱۶۹۲)، آیین زندگی (اخلاق کاربردی)، قم: دفتر نشر معارف، چاپ دوم.
۱۳. طبرسی، حسین بن فضل (۱۳۷۰ق)، مکارم الاخلاق، قم: شریف رضی.
۱۴. عیسی‌زاده (۱۳۹۰)، خانواده قرآنی (ویژگی‌ها و وظایف اعضای آن)، قم: بوستان کتاب.
۱۵. غضنفری، علی (۱۳۹۳)، اخلاق در قرآن و سنت حاوی یکصد مبحث اخلاقی، جلد ۱، تهران: دانشکده علوم و فنون قرآن، چاپ اول.
۱۶. قرشی‌بنایی، علی‌اکبر (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، جلد ۳، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
۱۷. کرمی‌فریدنی، علی (۱۳۸۴)، پرتوی از پیام پیامبر یا برگردانی تازه از نهج‌الفصاحه، قم: نشر حلم، چاپ اول.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق)، الکافی، علی‌اکبر غفاری، محمد آخوندی، جلد ۲ و ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
۱۹. متقی‌هندی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۰۱ق)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، جلد ۱۶، مؤسسه الرساله، چاپ پنجم.
۲۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، جلد ۶۸، ۷۳، ۷۵، ۷۹، ۸۸، ۱۰۰، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، چاپ دوم.



۲۱. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۹)، میزان الحکمه، حمیدرضا شیخی، جلد ۲، قم: مؤسسه علمی و فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر.

۲۲. مصطفوی، جواد، بهشت خانواده، جلد ۱، مرکز اطلاع رسانی غدیر.

۲۳. مطهری، مرتضی (۱۳۷۵)، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: صدرا.

۲۴. مظاهری، علی اکبر (۱۳۸۹)، جوانان و انتخاب همسر، پارسیان، چاپ سی و پنجم.

۲۵. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۹۰)، پیام امام امیرالمؤمنین [ع]، جلد ۱۳، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).

۲۶. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۸۴)، اخلاق در قرآن، جلد ۲، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).

۷. نراقی، مهدی (۱۳۸۸)، جامع السعادات، فیضی، کریم، جلد ۱، قم: قائم آل محمد (ص).

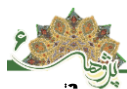
۲۸. نراقی، ملا احمد (۱۳۸۸)، معراج السعاده، قم: بهار دلها، چاپ اول.

۲۹. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، جلد ۷، ۱۳، ۱۴، قم: مؤسسه آل البیت (ع)، چاپ اول.

مقالات

۳۰. حسین زاده، علی (۱۳۸۹)، نقش عفت و حیا در رضایتمندی زن و شوهر، شماره دوم.

۳۱. رجبی، عباس (۱۳۸۳)، حیا و خودآرایی و نقش آن‌ها در سلامت روانی زن، معرفت ۸۷.



۳۲. شریفی، احمدحسین؛ پناهی علی‌احمد (۱۳۸۸)، **بایسته‌های اخلاقی همسران و نقش آن در تربیت فرزندان**، معرفت اخلاقی، شماره ۱.
۳۳. شاه‌میرزایی، فاطمه؛ میرحیدری، مهدی (۱۳۹۵)، **صفات اخلاقی مرد شایسته از دیدگاه اسلام**، خانواده در منظر آیات و روایات، درسنامه ۲.
۳۴. شاه‌میرزایی، فاطمه؛ میرحیدری، مهدی (۱۳۹۵)، **اوصاف زنان شایسته ازدواج**، خانواده در منظر آیات و روایات، درسنامه ۳.
۳۵. صفورایی‌پاریزی، محمدمهدی، **اثر بخشی رعایت آموزه‌های اخلاق اسلامی در کارآمدی خانواده**، معرفت اخلاقی ۱.
۳۶. اشرفی‌نژاد، اکرم (۱۳۹۱)، **جایگاه اخلاق در ازدواج**، تبیان.
۳۷. بیرانوند، علی (۱۳۹۶)، **تکبر، بخل، ترس: بهترین صفاتند!!**، تبیان.

